

Akhlaq-i zistī

i.e., Bioethics Journal

2022; 12(37): e21

The Bioethics and Health
Law InstituteMedical Ethics and Law
Research CenterInternational Association
of Islamic Bioethics

Comparison of the Effectiveness of Teaching Philosophy and Educational-Pedagogical Theater on the Moral Development of Elementary Students

Roya Zare¹, Somayyeh Taklavi^{1*}, Ozra Ghaffari¹

1. Department of Psychology, Ardabil Branch, Islamic Azad University, Ardabil, Iran.

ABSTRACT

Background and Aim: Human is the only creature in this world who seeks happiness and morality is one of their most essential needs to achieve happiness. The purpose of this study was to investigate the effectiveness of philosophy training and educational-pedagogical theater on the moral development of elementary students.

Methods: The research design was a quasi-experimental pretest-posttest with a control group. The population of this study included all the fifth- and sixth-grade elementary students in Ardabil in 2020-21. Forty-eight people were selected through convenience sampling method and were assigned into two experimental groups (philosophy training and educational-pedagogical theater groups) and the control group (N=16 each). For the philosophy training group, a philosophy training program for children and for the educational-pedagogical theater group, a designed educational-pedagogical theater program were implemented. However, the control group did not receive any training. The Moral Growth Test was used to collect data. Data analysis was performed using descriptive indicators and MANCOVA with SPSS 26 statistical software.

Ethical Considerations: In this study, preserving the originality of the texts, honesty and trustworthiness were observed and the participants answered the questionnaires with the knowledge of the research objectives.

Results: The results of analysis of covariance showed that the philosophy training and educational-pedagogical theater had a significant effect on improving the moral development ($p < 0.05$). Also, the results of Bonferroni post hoc test showed that the effect of the philosophy training on the students' moral development was significantly greater than that of the educational-pedagogical theater ($p < 0.05$).

Conclusion: The findings of this study provide useful information regarding the philosophy training and educational-pedagogical theater and their effect on improving moral development. Counselors and psychologists can use these interventions to improve the moral growth in elementary students.

Keywords: Philosophy Training; Educational-Pedagogical Theater; Moral Development

Corresponding Author: Somayyeh Taklavi; **Email:** staklavi@gmail.com

Received: December 22, 2021; **Accepted:** April 28, 2022; **Published Online:** October 29, 2022

Please cite this article as:

Zare R, Taklavi S, Ghaffari O. Comparison of the Effectiveness of Teaching Philosophy and Educational-Pedagogical Theater on the Moral Development of Elementary Students. *Akhlaq-i zisti, i.e., Bioethics Journal*. 2022; 12(37): e21.



انجمن بین‌المللی اخلاق و بی‌تبی اسلامی / مرکز تحقیقات اخلاق و حقوق پزشکی / انستیتو اخلاق و حقوق سلامت

مجله اخلاق زیستی

دوره دوازدهم، شماره سی و هفتم، ۱۴۰۱

مقایسه اثربخشی آموزش فلسفه و تئاتر تعلیمی - تربیتی

بر رشد اخلاقی دانش آموزان ابتدایی

رویا زارع^۱، سمیه تکلوی^{۱*}، عذرا غفاری^۱

۱. گروه روان‌شناسی، واحد اردبیل، دانشگاه آزاد اسلامی، اردبیل، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: انسان تنها موجودی است که در این دنیا طالب سعادت است و اخلاق یکی از ضروری‌ترین نیازهای او جهت دستیابی به سعادت محسوب می‌شود. هدف از پژوهش حاضر مقایسه اثربخشی آموزش فلسفه و تئاتر تعلیمی - تربیتی بر رشد اخلاقی دانش‌آموزان ابتدایی بود.

روش: طرح پژوهشی نیمه‌آزمایشی از نوع پیش‌آزمون - پس‌آزمون با گروه کنترل بود. جامعه آماری این پژوهش شامل تمامی دانش‌آموزان پایه پنجم و ششم ابتدایی شهر اردبیل در سال ۱۴۰۰-۱۳۹۹ بود که از این جامعه ۴۸ نفر به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند، در دو گروه آزمایشی (گروه آموزش فلسفه و گروه تعلیمی - تربیتی) و گروه کنترل که تعداد هر گروه ۱۶ نفر بود، جایدهی شدند. برای گروه آموزش فلسفه، برنامه آموزش فلسفه به کودکان و برای گروه تعلیمی - تربیتی، برنامه آموزشی طراحی‌شده تئاتر تعلیمی - تربیتی اجرا شد، در حالی که گروه کنترل هیچ آموزشی دریافت نکردند. برای گردآوری داده‌ها از پرسشنامه رشد اخلاقی استفاده شد. تحلیل داده‌ها با استفاده از شاخص‌های توصیفی و آزمون تحلیل کواریانس چندمتغیره با نرم‌افزار آماری SPSS 26 انجام شد.

ملاحظات اخلاقی: در تدوین این پژوهش حفظ اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده و مشارکت‌کنندگان با آگاهی از اهداف پژوهش به پرسشنامه‌ها پاسخ دادند.

یافته‌ها: نتایج تحلیل کواریانس نشان داد که آموزش فلسفه و تئاتر تعلیمی - تربیتی بر بهبود رشد اخلاقی تأثیر معنی‌دار داشته است ($p < 0/05$). همچنین نتایج آزمون تعقیبی بونفرونی نشان داد که تأثیر آموزش فلسفه بر رشد اخلاقی دانش‌آموزان به طور معناداری بیشتر از تئاتر تعلیمی - تربیتی بوده است ($p < 0/05$).

نتیجه‌گیری: یافته‌های این پژوهش اطلاعات مفیدی را در ارتباط با آموزش فلسفه و تئاتر تعلیمی - تربیتی و تأثیر آن‌ها بر افزایش رشد اخلاقی فراهم می‌کند و مشاوران و روان‌شناسان می‌توانند برای بهبود رشد اخلاقی در دانش‌آموزان ابتدایی از این مداخلات استفاده نمایند.

واژگان کلیدی: آموزش فلسفه؛ تئاتر تعلیمی - تربیتی؛ رشد اخلاقی

نویسنده مسئول: سمیه تکلوی؛ پست الکترونیک: staklavi@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۰۱؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۲/۰۸؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۰۸/۰۷

خواهشمند است این مقاله به روش زیر مورد استناد قرار گیرد:

Zare R, Taklavi S, Ghaffari O. Comparison of the Effectiveness of Teaching Philosophy and Educational-Pedagogical Theater on the Moral Development of Elementary Students. *Akhlaq-i zisti, i.e., Bioethics Journal*. 2022; 12(37): e21.

مقدمه

انسان تنها موجودی است که در این دنیا طالب سعادت است و اخلاق یکی از ضروری‌ترین نیازهای او جهت دستیابی به سعادت محسوب می‌شود (۱). نظریه‌پردازان اوایل قرن بیستم، اخلاق را نه تنها وسیله رشد اجتماعی، بلکه یکی از جنبه‌های مهم رشد فردی به شمار آورده‌اند (۲). در این بین دانش‌آموزان هر جامعه، در آینده‌ای نزدیک مسئولیت اداره و مدیریت کشور را به عهده می‌گیرند، پس آینده‌سازان جامعه هستند و بخش عمده بودجه و برنامه‌ریزی هر کشور را به خود اختصاص داده و رشد اخلاقی آن‌ها نقش مؤثری در کسب موفقیت‌ها و عملکرد آتی جامعه آنان دارد (۳). رشد اخلاقی به روندی اشاره می‌کند که در آن، شخص منش‌ها و رفتارهای خوب یا بد اخلاقی را درونی می‌کند، منش‌ها و رفتارهایی که از جامعه خود دریافت کرده است (۴). در واقع رشد اخلاقی به تغییراتی گفته می‌شود که با افزایش سن در مبانی شناختی، هیجانی، رفتاری و ارزش‌های حاکم بر رفتار انسان پدید می‌آید و کلیه رفتارها را تحت تأثیر قرار می‌دهد (۱). سال‌هاست که چشم‌انداز تحقیق در مورد رشد اخلاقی تحت سلطه رویکرد لارنس کلبِرگ (Lawrence Kohlberg) است که با تکیه بر نظریه پیاژه (Piaget) در مورد رشد اخلاقی، به شدت بر استدلال اخلاقی به عنوان اساس رفتار اخلاقی متکی است (۵). کلبِرگ بیان نمود که از سه طریق شامل مواجهه دانش‌آموزان با استدلال‌های سطح بالاتر، مواجهه آن‌ها با تناقضات و چالش‌های اخلاقی و ایجاد جوی از مبادله اطلاعات می‌توان بر رشد اخلاقی دانش‌آموزان تأثیر گذاشت (۶). مطالعات نشان داده است دانش‌آموزانی که از سطح اخلاقی بالایی برخوردارند تمایل دارند رفتار خوبی داشته باشند و مورد پذیرش دیگران قرار گیرند (۷). از طرف دیگر مشکلات اخلاقی می‌تواند معضلات جدی دیگری مانند پرخاشگری و قلدری (۸)، هویت اخلاقی ضعیف و فقدان رفتار نوع‌دوستانه در دانش‌آموزان ایجاد کند (۹). با توجه به نقش اخلاق در زندگی فردی و اجتماعی به نظر می‌رسد رشد اخلاق و تربیت اخلاقی برای موفقیت و ایفای نقش مثبت در جامعه می‌تواند

به افراد کمک کند (۱۰). یکی از روش‌هایی که در سال‌های اخیر برای کمک به رشد اخلاقی دانش‌آموزان استفاده می‌شود، آموزش فلسفه به کودکان (Philosophy for Children) است (۱۱).

آموزش فلسفه برای کودکان یک رویکرد به تدریس و یادگیری است که توسط فیلسوف آمریکایی متیو لیپمن (Matthew Lipman) در دهه ۱۹۷۰ گسترش پیدا کرد (۱۲). در این برنامه با استفاده از داستان و پرسش و پاسخ سقراطی میان دانش‌آموزان و با هدایت معلم، دانش‌آموزان به یادگیری مفاهیم اخلاقی می‌پردازند (۱۳). این روش آموزشی شامل ایجاد فضاهایی برای تأمل در مورد نوع فردی که می‌خواهند به آن تبدیل شوند و نوع جامعه‌ای که می‌خواهند در آن زندگی کنند، است (۱۴). برای دستیابی به این هدف کلاس درس به یک محیط فلسفی پرسش و پاسخ تبدیل می‌شود و در آن تلاش می‌شود تا از طریق داستان‌های برانگیزاننده فکری، مباحثی به شکل اجتماع‌پژوهی، بین کودکان در کلاس درس شکل بگیرد. مباحث و مجادلاتی که در نهایت باعث ارتقای مهارت‌های شناختی و عاطفی می‌شود (۱۵). در برنامه آموزش فلسفه، دانش‌آموزان به کاوشگرانی ماهر و جوان تبدیل می‌شوند. کاوشگر بودن، مفهوم اصلی این الگوست و مراد از آن جستجوگری فعال و پرسشگری مصربودن و داشتن هوشیاری دائمی برای مشاهده ارتباطات و اختلافات و آمادگی همیشگی برای مقایسه، مقابله، تحلیل و ارائه فرضیه، تجربه، مشاهده، سنجش و امتحان است (۱۶). به طور کلی، هدف کلی برنامه آموزش فلسفه به کودکان بهبود توانایی تعقل، پرورش خلاقیت، رشد فردی و میان‌فردی، پرورش درک و قضاوت اخلاقی و پرورش توانایی مفهوم‌یابی از تجربه از طریق ایجاد مباحثه فلسفی و آفرینش اجتماع‌پژوهی در سطح کلاس است (۵). یافته‌های پژوهش ماسی و سانتی (Masi & Santi) (۱۷) در زمینه آموزش فلسفه نشان داد که آموزش فلسفه به کودکان که جزء اساسی آموزش تفکر آزاد به حساب می‌آید، در قضاوت‌های اخلاقی آن‌ها نقش مهمی ایفا می‌نماید. نتایج مطالعه فرجی، مکوندی، بختیارپور، افتخار صعادی و احتشام‌زاده (۱۸) نشان داد آموزش فلسفه بر رشد قضاوت

اخلاقی، رفتار جامعه‌یار و مهار خشم در دانش‌آموزان تأثیر مثبت داشت و این نتیجه در مرحله پیگیری ماندگار بود. همچنین یافته‌های نویدیان و همکاران (۱۳) نشان داد که آموزش فلسفه برای کودکان در رشد اخلاقی دانش‌آموزان دختر و پسر تأثیر مثبت و معناداری دارد.

از سوی دیگر، یکی از موفق‌ترین راه‌های تربیت غیر مستقیم، هنر است که به علت زیبایی و انتزاعی‌بودنش می‌تواند هر امر تربیتی از جمله اخلاق را در پوششی در اوج اثرگذاری، بر ذهن مخاطب بنشانند (۱۹). بر همین اساس امروزه پژوهشگران و صاحب‌نظران عرصه هنر، طی چند دهه اخیر به وجه کاربردی تئاتر به عنوان یکی از اشکال هنر تأکید داشته‌اند و از این طریق توانسته‌اند تئاتر را وارد حوزه‌های آموزشی کرده و نظریه‌ها و الگوهایی را پیشنهاد دهند تا بر نارسایی‌ها و کاستی‌های تعلیم و تربیت، به ویژه در کودکان و نوجوانان چیره شوند (۲۰). تئاتر تعلیمی - تربیتی (Pedagogy Theater) اصطلاحی است که در زبان آلمانی کاربرد دارد و به آن دسته از نمایش‌هایی اطلاق می‌شود که روند تمرینات و تأثیرات آن روی شرکت‌کنندگان مهم‌ترین ویژگی آن است و اجرای محصول نهایی، هدف آن است (۲۱). بنابراین در این نمایش هدف مربی یا کارگردان الزاماً دستیابی به شکل پایانی اجرا برای عرضه به تماشاگران نیست، بلکه این شیوه تئاتر، فعالیتی جاری، نمادین و برانگیزاننده است که در زمان حال روی می‌دهد. بدین ترتیب تعامل و مشارکت افراد در طول تمرین اهمیت دارد و همین تعامل و مشارکت است که موجب تغییر در رفتار و نگرش آنان می‌شود (۲۲). استفاده از داستان‌های تخیلی و همچنین بیان احساسی و فیزیکی، ابزارهای بسیار قدرتمندی در تلاش برای کشف سؤالات و تعیین معنا در تئاتر تعلیمی تربیتی است (۲۳). تئاتر تعلیمی تربیتی یک اصطلاح چترگونه است که انواع فعالیت‌های نمایشی، از جمله بازی در نقش (Role-Play)، نوشتن در نقش (Writing-In-Role)، بداهه‌نوازی (Improvisation)، تئاتر خواننده (Reader's Theatre)، نمایش خلاق (Creative Drama) و نمایش فرایند (Process Drama) را

شامل می‌شود (۲۴). نتایج مطالعه مامی و امیریان (۱۹) نشان داد که نمایش خلاق بر سازگاری اجتماعی، قضاوت اخلاقی و خلاقیت دانش‌آموزان دختر پایه چهارم مقطع ابتدایی شهرستان ایلام اثربخش بوده است. تامبو و بالاکریشنان (Thambu & Balakrishnan) (۲۵) نیز در مطالعه خود نشان دادند که تئاتر تعلیمی تربیتی پتانسیل آموزش به عنوان یک روش تربیت اخلاقی را دارد، زیرا دانش‌آموزان را تشویق می‌کند تا در مواجهه با تعارضات اخلاقی و اجتماعی، انتقادی و فعالانه فکر کنند. همچنین یافته‌های امیرخانی، سلیمی بجستانی و نوئین (۲۵) نشان داد رویکرد تئاتردرمانی در بهبود رشد استدلال اخلاقی دانش‌آموزان نوجوان تأثیر چشم‌گیری داشته است.

لذا با استناد به مطالب گفته‌شده، مسأله پژوهش حاضر آن است که با وجود تلاش‌های فراوان نظام‌های تربیتی در سراسر جهان و توسعه مباحث اخلاقی، انحرافات اخلاقی گوناگونی بین نوجوانان و جوانان رو به افزایش است و تربیت و رشد اخلاقی دانش‌آموزان، با دشواری‌ها و بن‌بست‌های بسیاری رو به روست. همچنین آموزه‌ها و ارزش‌های اخلاقی، آنطور که باید در وجود دانش‌آموزان نهادینه نشده است و مسأله آموزش اخلاق از وضعیت مطلوب برخوردار نیست و آموزش مسائل اخلاقی گاه با تأثیرات معکوس همراه می‌شود. بنابراین در طراحی برنامه‌های مدارس باید روش‌هایی گنجانده شود که از طریق آن‌ها دانش‌آموزان قابلیت‌های به کارگیری تفکر، استدلال اخلاقی، فرضیه‌سازی و فراتر رفتن از خودمحموری و تلاش برای ورود به افکار و احساسات دیگران را از طریق انضباط فکری و تربیت اخلاقی بیاموزند، از جمله راه‌های مؤثر در این زمینه، انجام پژوهش در زمینه اجرای برنامه آموزش فلسفه به کودکان و تئاتر تعلیمی - تربیتی در نهادهای آموزشی می‌باشد تا بتوان از نتایج آن در تربیت و رشد اخلاقی کودکان بهره گرفت. همچنین با توجه به اینکه پژوهش‌های صورت گرفته در این حوزه بیشتر بر اساس داستان‌های خارجی و دانش‌آموزان سنین بالاتر انجام شده است، پژوهش حاضر با تأکید بر داستان‌های ایرانی و دانش‌آموزان سنین پایین‌تر صورت گرفته

است. از این رو پژوهش حاضر با هدف مقایسه اثربخشی آموزش فلسفه و تئاتر تعلیمی - تربیتی بر رشد اخلاقی دانش‌آموزان ابتدایی صورت گرفته است.

روش

طرح پژوهش در این تحقیق، نیمه‌آزمایشی از نوع پیش‌آزمون - پس‌آزمون با گروه کنترل بود. جامعه آماری پژوهش از تمامی دانش‌آموزان پایه پنجم و ششم ابتدایی شهر اردبیل در سال ۱۴۰۰-۱۳۹۹ تشکیل می‌شد. حجم نمونه شامل ۴۸ نفر (۱۶ نفر گروه آموزش فلسفه، ۱۶ نفر گروه تئاتر تعلیمی - تربیتی و ۱۶ نفر گروه گواه) از جامعه آماری مذکور بود که با توجه به عدم دسترسی به لیست تمامی دانش‌آموزان و همچنین شرایط کرونایی حاکم بر جامعه به شیوه نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شده و در دو گروه گواه و آزمایش جایدهی شدند. به استناد مطالعات نیمه‌آزمایشی مشابه قبلی، حجم نمونه پیشنهادی برای مطالعات نیمه‌آزمایشی در کتب آماری حداقل ۱۵ نفر می‌باشد (۲۸). لازم به ذکر است با توجه به اینکه در زمان اجرای پژوهش حاضر شهرستان اردبیل در وضعیت زرد قرار داشت مدارس این شهرستان تعطیل نبودند و اجرای پژوهش با توجه به پروتکل‌های بهداشتی، ایجاد فضای مناسب و فاصله‌گذاری اجتماعی صورت گرفت. ملاک‌های ورود به پژوهش رضایت آگاهانه برای شرکت در پژوهش، داشتن سن ۱۱ تا ۱۲ سال، علاقه دانش‌آموز به شرکت در جلسات آموزشی، عدم ابتلا به اختلالات روان‌پزشکی و نبود مشکلات و بیماری‌های جسمانی خاص و ملاک‌های خروج شامل غیبت بیش از ۱ جلسه در جلسات آموزشی، دریافت همزمان آموزش‌های روان‌شناختی دیگر و عدم تمایل به ادامه جلسات آموزشی بود. بعد از کسب مجوزهای لازم از آموزش و پرورش و مراجعه به مدارس شهر اردبیل، اطلاعات کلی در مورد کودکان به دست آمد. سپس ۴۸ نفر از دانش‌آموزان و با توجه به ملاک‌های ورود و خروج اشاره شده، از این مدارس انتخاب شدند. پرسشنامه‌ها ابتدا توسط هر دو گروه تکمیل شد و سپس برای گروه آزمایشی اول، برنامه آموزش فلسفه به

کودکان، برای گروه آزمایشی دوم، برنامه آموزشی طراحی شده تئاتر تعلیمی - تربیتی، اجرا شد و گروه کنترل هیچ آموزشی دریافت نکرد. پس از پایان جلسات آموزشی، پرسشنامه رشد اخلاقی به عنوان پس‌آزمون تکمیل شد. در این پژوهش تجزیه و تحلیل داده‌ها با آزمون تحلیل کواریانس چندمتغیره انجام شد.

۳-۱. آزمون رشد اخلاقی (Moral Development Scale): این آزمون توسط لطف‌آبادی (۲۹) تهیه گردید. سؤالات این آزمون در ۶ مؤلفه اخلاقی و برای هر مؤلفه سه سؤال داستانی طراحی شده است که در مجموع ۱۸ سؤال را تشکیل می‌دهد. این شش مقوله اخلاقی عبارتند از: اخلاق زیست محیطی، اخلاق مراقبت از خود یا اخلاق فردی، اخلاق در مناسبات خانوادگی، اخلاق اجتماعی، اخلاق انسانی و اخلاق معنوی. هر یک از هجده سؤال آزمون با یک یا چند مقیاس شش درجه‌ای قضاوت اخلاقی مورد سنجش قرار گرفته است. برای سنجش امتیاز هر بعد، مجموع امتیازات مربوط به آن بعد باید با هم جمع گردد (۱۹). سؤالات ۱، ۲، ۳ زیرمقیاس اخلاق زیست محیطی، سؤالات ۴، ۵، ۶ اخلاق مراقبت از خود یا اخلاق فردی، سؤالات ۷، ۸، ۹ اخلاق در مناسبات خانوادگی، سؤالات ۱۰، ۱۱، ۱۲ اخلاق اجتماعی، سؤالات ۱۳، ۱۴، ۱۵ اخلاق انسانی و سؤالات ۱۶، ۱۷، ۱۸ اخلاق معنوی (یا متعالی) را اندازه‌گیری می‌کند. ضرایب پایایی زیرمؤلفه‌های اخلاق زیست محیطی ۰/۷۳، اخلاق مراقبت از خود یا اخلاق فردی ۰/۷۸، اخلاق در مناسبات خانوادگی ۰/۸۲، اخلاق اجتماعی ۰/۷۶، اخلاق انسانی ۰/۷۹ و اخلاق معنوی (یا متعالی) ۰/۸۱ گزارش شده است (به نقل از ۳۰). فرجی و همکاران (۱۹) پایایی کل مقیاس را ۰/۸۹ گزارش کرده‌اند.

در این مطالعه برای گروه آزمایشی اول، برنامه آموزش فلسفه به کودکان، به مدت ۱۰ جلسه ۹۰ دقیقه‌ای، طی ۵ هفته اجرا شد، لازم به ذکر است که در تمامی جلسات به شیوه اجتماع پژوهشی موضوعاتی تحت عنوان طرح بحث ارائه می‌شد. بدین نحو که ابتدا قسمتی از داستان فلسفی توسط دانش‌آموز

تعلیمی - تربیتی، به مدت ۱۰ جلسه ۹۰ دقیقه‌ای، طی ۵ هفته، در جلسات اول تا چهارم، دانش‌آموزان مطابق با پکیج طراحی‌شده تئاتر تعلیمی - تربیتی، آموزش دیدند و در جلسات پنجم تا دهم تلاش شد تا خودشان بتوانند به اجرا بپردازند و خودباوری در بچه‌ها نسبت به تئاتر ایجاد و تقویت شود. خلاصه محتوای جلسات در جدول ۱ گزارش شده است.

خوانده می‌شد و سپس از آنان خواسته می‌شد که نظرات خود را در مورد داستان بیان کنند، بدین ترتیب نظرات هر یک از دانش‌آموزان بر روی تابلو نوشته می‌شد. سپس از دانش‌آموزان به ترتیب خواسته می‌شد که در مورد نظرات خود با ارائه دلیل صحبت کنند. بدین‌سان بین دانش‌آموزان گفتگویی صورت می‌گرفت که اساس آن روش اجتماع‌پژوهشی بود. همچنین برای گروه آزمایشی دوم، برنامه آموزشی طراحی‌شده تئاتر

جدول ۱: جلسات برنامه آموزش فلسفه به کودکان

جلسات	محتوای جلسات برنامه آموزش فلسفه
جلسه اول	آشنایی کلی اعضای گروه با هم، بیان اهداف گروه و مسئولیت‌های اعضا، بیان قوانین و ساختار جلسه‌ها، بیان مقدمه‌ای در مورد آموزش فلسفه در سطح فهم دانش‌آموزان.
جلسه دوم	بیان داستان ملک‌زاده کوتاه و حقیر و برادرانش و بحث و گفتگوی دانش‌آموزان در مورد آن.
جلسه سوم	بیان داستان سرهنگ‌زاده هوشمند و حسد همکاران و بحث و گفتگوی دانش‌آموزان در مورد آن.
جلسه چهارم	بیان داستان ادب آموختن لقمان از بی‌ادبان و بحث و گفتگوی دانش‌آموزان در مورد آن.
جلسه پنجم	بیان داستان دو امیر زاده در مصر و بحث و گفتگوی دانش‌آموزان در مورد آن.
جلسه ششم	بیان داستان طیب حاذق در خدمت مصطفی (ص) و بحث و گفتگوی دانش‌آموزان در مورد آن.
جلسه هفتم	بیان داستان خشکسالی در اسکندریه و بحث و گفتگوی دانش‌آموزان در مورد آن.
جلسه هشتم	بیان داستان موسی (ع) و درویش برهنه و بحث و گفتگوی دانش‌آموزان در مورد آن.
جلسه نهم	بیان داستان سخن‌مادر دل‌آزرده و بحث و گفتگوی دانش‌آموزان در مورد آن.
جلسات	محتوای جلسات تئاتر تعلیمی - تربیتی
جلسات	اهداف درمانی
جلسه اول	آشنایی کلی اعضای گروه با هم، بیان اهداف گروه و مسئولیت‌های اعضا، بیان قوانین و ساختار جلسه‌ها، آشنایی کلی با تئاتر تعلیمی - تربیتی.
جلسه دوم	مؤلفه‌های اصلی بازی در تئاتر اعم از بدن، بیان و احساس و همچنین مبانی تئاتر از مبانی صحنه، نحوه راه‌رفتن و ایستادن بر روی صحنه، موقعیت‌های صحیح قرارگیری روی صحنه تئاتر نسبت به بازیگران دیگر و... آموزش داده و تمرین شد.
جلسه سوم	پس از کار بر روی بدن و تمرین‌های مخصوص به آن، نحوه بیان صحیح و همچنین نحوه صحیح شناخت و ابراز احساس و هیجانات مختلف از طریق چهره (میمیک صورت)، بدن و بیان، آموزش داده و تمرین شد.
جلسه چهارم	نحوه بررسی نقش و پرداخت آن (از دید فیزیولوژی، جامعه‌شناختی و مهم‌تر از همه از منظر روان‌شناختی) آموزش داده شد.
جلسه پنجم تا نهم	نقش‌ها به اعضا واگذار گردید و به تمرین نمایشنامه‌های انتخاب شده و نگاشته‌شده از کتاب گلستان سعدی پرداخته شد.
جلسه دهم	اجرای نهایی تئاترها، بیان احساسات و نظرات هر یک از اعضا نسبت به این دوره تئاتر گروهی، جمع‌بندی، نتیجه‌گیری، پایان دادن به گروه و تشکر از اعضا با اهدای هدایا. در انتهای جلسات، اعضا تشویق شدند که نسبت به آنچه طی جلسات قبلی آموخته‌اند، پایبند باشند.

یافته‌ها

و گروه کنترل $0/55 \pm 11/57$ بود. در گروه آموزش فلسفه ۸ نفر (۵۰ درصد) دختر و ۸ نفر (۵۰ درصد) پسر، در گروه تئاتر تعلیمی - تربیتی ۸ نفر (۵۰ درصد) دختر و ۸ نفر (۵۰ درصد) پسر.

میانگین و انحراف معیار سنی در گروه آموزش فلسفه، $0/51 \pm 11/56$ ، در گروه تئاتر تعلیمی - تربیتی، $0/52 \pm 11/50$.

معدل تحصیلی ۸ نفر (۵۰/۰ درصد) خیلی خوب و ۸ نفر (۵۰/۰ درصد) خوب بودند. داده‌های مربوط به مؤلفه‌های رشد اخلاقی در پیش‌آزمون و پس‌آزمون با شاخص‌های توصیفی میانگین و انحراف استاندارد به تفکیک گروه‌ها در جدول ۲ گزارش شده است.

پسر بودند و در گروه کنترل ۸ نفر (۵۰ درصد) دختر و ۸ نفر (۵۰ درصد) پسر بودند. همچنین در گروه آموزش فلسفه از لحاظ معدل تحصیلی ۹ نفر (۵۶/۳ درصد) خیلی خوب و ۷ نفر (۴۳/۷ درصد) خوب، در گروه تاثیر تعلیمی - تربیتی از لحاظ معدل تحصیلی ۱۰ نفر (۶۲/۵ درصد) خیلی خوب و ۶ نفر (۳۷/۵ درصد) خوب بودند و در گروه کنترل از لحاظ

جدول ۲: شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش به تفکیک گروه آزمایش و کنترل

متغیر	گروه	پیش‌آزمون		پس‌آزمون	
		میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار
اخلاق زیست‌محیطی	آموزش فلسفه	۸/۴۴	۱/۹۰	۱۰/۹۴	۱/۸۴
	تاثیر تعلیمی - تربیتی	۸/۳۸	۱/۵۹	۱۰/۵۰	۱/۸۶
	کنترل	۸/۵۶	۲/۱۳	۸/۶۸	۱/۹۶
اخلاق فردی	آموزش فلسفه	۱۴/۶۹	۲/۲۱	۱۷/۹۴	۲/۲۹
	تاثیر تعلیمی - تربیتی	۱۴/۵۶	۲/۱۹	۱۶/۴۴	۲/۰۰
	کنترل	۱۴/۴۴	۱/۷۹	۱۴/۶۳	۲/۰۹
مناسبات خانوادگی	آموزش فلسفه	۱۷/۶۹	۲/۶۳	۲۱/۱۳	۲/۵۵
	تاثیر تعلیمی - تربیتی	۱۷/۵۶	۲/۶۳	۱۹/۰۰	۲/۶۳
	کنترل	۱۶/۸۱	۲/۳۴	۱۶/۹۴	۲/۳۸
اخلاق اجتماعی	آموزش فلسفه	۲۱/۸۸	۲/۵۵	۲۶/۱۹	۲/۹۵
	تاثیر تعلیمی - تربیتی	۲۱/۴۴	۲/۲۲	۲۴/۰۶	۳/۷۵
	کنترل	۲۱/۶۳	۳/۷۵	۲۱/۸۱	۳/۱۷
اخلاق انسانی	آموزش فلسفه	۳۴/۳۸	۳/۵۶	۴۱/۶۹	۳/۴۶
	تاثیر تعلیمی - تربیتی	۳۴/۸۱	۲/۴۰	۳۸/۱۳	۲/۵۰
	کنترل	۳۴/۵۶	۲/۸۷	۳۴/۹۴	۳/۰۷
اخلاق معنوی	آموزش فلسفه	۳۲/۶۳	۱/۸۶	۳۷/۷۵	۲/۰۵
	تاثیر تعلیمی - تربیتی	۳۲/۳۸	۱/۸۹	۳۵/۸۱	۲/۳۷
	کنترل	۳۲/۳۱	۲/۳۷	۳۲/۸۸	۱/۵۹
رشد اخلاقی کلی	آموزش فلسفه	۱۲۹/۶۹	۵/۳۴	۱۵۵/۶۲	۵/۷۵
	تاثیر تعلیمی - تربیتی	۱۲۹/۱۲	۷/۶۸	۱۴۳/۹۴	۱۰/۰۰
	کنترل	۱۲۸/۳۱	۸/۵۳	۱۲۹/۸۸	۷/۸۲

بررسی قرار گرفت. از آزمون شاپیرو ویلک (Shapiro-Wilk Test) برای بررسی نرمال بودن توزیع نمرات استفاده شد. نتایج نشان داد که پیش‌فرض نرمال بودن توزیع داده‌ها برقرار است ($P > 0.01$). آزمون ام‌باکس (Box's M test) برای بررسی همسانی ماتریس‌های واریانس کواریانس استفاده شد که با

همانطور که در جدول ۲ مشاهده می‌شود، نمرات پس‌آزمون گروه‌های آزمایشی در مؤلفه‌های رشد اخلاقی افزایش داشته است، اما در گروه کنترل تفاوت چندانی با هم ندارند. به منظور تحلیل داده‌ها از آزمون تحلیل کواریانس چندمتغیره استفاده شد، لذا ابتدا مفروضه‌های زیربنایی این آزمون مورد

توجه به ($F=0/722$, $p<0/815$) می‌توان نتیجه گرفت ماتریس واریانس - کوواریانس متغیرهای وابسته در گروه آزمایش و کنترل همسان است. همچنین از آزمون لوین برای رعایت پیش‌فرض‌های آزمون کوواریانس استفاده شد که نتایج آن نشان داد، نمرات گروه‌های پژوهش در پس آزمون متغیرهای وابسته دارای واریانس همگن هستند ($P>0/01$). علاوه بر این آزمون تعامل گروه و پیش‌آزمون در مرحله پس‌آزمون غیر معنی‌دار است، لذا این پیش‌فرض نیز رد نشد ($P>0/05$). به این ترتیب شرایط لازم برای اجرای آزمون تحلیل کوواریانس برقرار است. نتایج آماره لامبدای ویلکز در آزمون تحلیل کوواریانس چندمتغیری نشان داد که اثر گروه بر ترکیب مؤلفه‌ها معنادار است ($F=8/26$, $P<0/001$, $\eta^2=0/553$). بنابراین می‌توان

گفت که بین گروه‌های آزمایش و کنترل از لحاظ مؤلفه‌های مهارت اجتماعی در پس‌آزمون بعد از کنترل نمرات پیش‌آزمون تفاوت معناداری وجود دارد و میزان این تفاوت در جامعه بر اساس اندازه اثر ۵۵ درصد و در سطح بالا است، یعنی ۵۵ درصد واریانس مربوط به اختلاف بین سه گروه ناشی از تأثیر متقابل متغیرهای وابسته است. در ادامه برای پی‌بردن به اینکه در کدام یک از مؤلفه‌های رشد اخلاقی بین سه گروه تفاوت معنی‌داری وجود دارد، جدول ۳ نشان داده شده است. جدول ۳ نتایج تحلیل کوواریانس چندمتغیری اثرات بین‌گروهی برای گروه‌های آزمایش و کنترل در مؤلفه‌های پژوهش را نشان می‌دهد.

جدول ۳: نتایج تحلیل کوواریانس مربوط به تفاوت بین گروهی مؤلفه‌های رشد اخلاقی

متغیرهای وابسته	مجموع مجزورات	df	میانگین مجزورات	آماره F	P	η^2	توان آماری
اخلاق زیست محیطی	۵۲/۱۷	۲	۲۶/۰۸	۱۲/۰۴	۰/۰۰۱	۰/۳۴۹	۰/۹۹
اخلاق فردی	۷۵/۲۹	۲	۳۷/۶۵	۱۴/۴۶	۰/۰۰۱	۰/۳۹۱	۱
مناسبات خانوادگی	۸۹/۰۴	۲	۴۴/۵۲	۱۹/۷۱	۰/۰۰۱	۰/۴۶۷	۱
اخلاق اجتماعی	۱۳۷/۶۳	۲	۶۸/۸۱	۸/۸۶	۰/۰۰۱	۰/۲۸۲	۰/۹۶
اخلاق انسانی	۳۸۸/۰۴	۲	۱۹۴/۰۲	۲۷/۴۰	۰/۰۰۱	۰/۵۴۹	۱
اخلاق معنوی یا متعالی	۱۷۰/۲۹	۲	۸۵/۱۵	۲۶/۳۱	۰/۰۰۱	۰/۵۳۹	۱

با توجه به جدول ۳ آماره F برای مؤلفه‌های اخلاق زیست محیطی (۱۲/۰۴)، اخلاق فردی (۱۴/۴۶)، مناسبات خانوادگی (۱۹/۷۱)، اخلاق اجتماعی (۸/۸۶)، اخلاق انسانی (۲۷/۴۰) و اخلاق معنوی (۲۶/۳۱) معنی‌داری می‌باشد ($P<0/05$). این یافته نشان می‌دهد، بین گروه‌های آزمایش و کنترل در این مؤلفه‌ها تفاوت معناداری وجود دارد. اندازه اثر برای مؤلفه‌های اخلاق زیست محیطی (۰/۳۴۹)، اخلاق فردی (۰/۳۹۱)،

مناسبات خانوادگی (۰/۴۶۷)، اخلاق اجتماعی (۰/۲۸۲)، اخلاق انسانی (۰/۵۴۹) و اخلاق معنوی (۰/۵۳۹) می‌باشد که نشان می‌دهد این تفاوت در جامعه بزرگ و قابل توجه است. جهت بررسی این نکته که این تأثیر در کدام یک از گروه‌های آزمایشی بیشتر بوده است، نتایج آزمون تعدیل بونفرونی با نمرات تعدیل یافته در جدول ۴ نشان داده شده است.

جدول ۴: نتایج آزمون تعقیبی بونفرنی جهت بررسی تفاوت‌های دو به دو گروه‌های آزمایش (آموزش فلسفه، تئاتر تعلیمی - تربیتی) در مؤلفه‌های رشد اخلاقی

متغیرهای وابسته	گروه	تفاوت میانگین‌ها	سطح معناداری
اخلاق زیست‌محیطی	آموزش فلسفه	تئاتر تعلیمی - تربیتی	۰/۳۸
	تئاتر تعلیمی - تربیتی	کنترل	۰/۰۰۱*
	تئاتر تعلیمی - تربیتی	کنترل	۰/۰۰۱*
اخلاق فردی	آموزش فلسفه	تئاتر تعلیمی - تربیتی	۰/۰۶۰
	تئاتر تعلیمی - تربیتی	کنترل	۰/۰۰۱*
	تئاتر تعلیمی - تربیتی	کنترل	۰/۰۱۵*
مناسبات خانوادگی	آموزش فلسفه	تئاتر تعلیمی - تربیتی	۰/۰۰۱*
	تئاتر تعلیمی - تربیتی	کنترل	۰/۰۰۱*
	تئاتر تعلیمی - تربیتی	کنترل	۰/۰۵۲
اخلاق اجتماعی	آموزش فلسفه	تئاتر تعلیمی - تربیتی	۰/۲۸۱
	تئاتر تعلیمی - تربیتی	کنترل	۰/۰۰۱*
	تئاتر تعلیمی - تربیتی	کنترل	۰/۰۵۲
اخلاق انسانی	آموزش فلسفه	تئاتر تعلیمی - تربیتی	۰/۰۰۱*
	تئاتر تعلیمی - تربیتی	کنترل	۰/۰۰۹*
	تئاتر تعلیمی - تربیتی	کنترل	۰/۰۰۱*
اخلاق معنوی یا متعالی	آموزش فلسفه	تئاتر تعلیمی - تربیتی	۰/۰۳۳*
	تئاتر تعلیمی - تربیتی	کنترل	۰/۰۰۱*
	تئاتر تعلیمی - تربیتی	کنترل	۰/۰۰۱*

بحث

پژوهش حاضر با هدف مقایسه اثربخشی آموزش فلسفه و تئاتر تعلیمی - تربیتی بر رشد اخلاقی دانش‌آموزان ابتدایی صورت گرفت. نتایج تحلیل کوواریانس نشان داد که روش آموزش فلسفه بر رشد اخلاقی دانش‌آموزان اثرگذار بوده است. این یافته با نتایج گارسیا موریون (García-Moriyón) و همکاران (۵)، کارآمد و همکاران (۱۱)، فرجی و همکاران (۱۸)، مرعشی، صفایی مقدم و خزامی (۲۶)، زولکیفلی و هاشیم (Zulkifli & Hashim) (۲۷) و ایمان‌نژاد، ایمان‌زاده، تقی‌پور و طهماسب‌زاده شیخ‌لار (۲۸) همسو می‌باشد.

در تبیین این یافته می‌توان گفت در آموزش فلسفه دانش‌آموزان کلاس به همراه معلم خود دور هم می‌نشینند و رودرروی یکدیگر به مباحثه درباره موضوعات مبهم و تبادل نظریاتشان در مورد آنچه خوانده می‌شود، می‌پردازند، دانش‌آموزان با توجه و احترام به سخنان یکدیگر گوش فرا می‌دهند، در نتیجه وقتی این روند در شرکت‌کنندگان درونی شد، آن‌ها به این فکر

با توجه به یافته‌های جدول ۴ در ابعاد رشد اخلاقی (اخلاق زیست‌محیطی، مراقبت از خود یا اخلاق فردی، مناسبات خانوادگی، اخلاق اجتماعی، اخلاق انسانی، اخلاق معنوی یا متعالی) بین گروه آموزش فلسفه و تئاتر تعلیمی - تربیتی با گروه کنترل تفاوت معنادار است ($p < 0/05$)، اما بین اثربخشی آموزش فلسفه و تئاتر تعلیمی - تربیتی در ابعاد اخلاق زیست محیطی، مراقبت از خود یا اخلاق فردی و اخلاق اجتماعی تفاوت معناداری مشاهده نشد. یافته دیگر جدول فوق نشان داد که در بعد مناسبات خانوادگی، اخلاق انسانی و اخلاق معنوی یا متعالی بین اثربخشی آموزش فلسفه و گروه تئاتر تعلیمی - تربیتی تفاوت معنادار است ($p < 0/05$). در مجموع یافته‌های این فرضیه نشان داد که آموزش فلسفه نسبت به تئاتر تعلیمی - تربیتی در ابعاد رشد اخلاقی (خصوصاً مناسبات خانوادگی، اخلاق انسانی و اخلاق معنوی یا متعالی) دانش‌آموزان مؤثرتر است.

خواهند افتاد که در سایر امور زندگی و در مواجهه با اتفاقات واقعی زندگی با تفکر از موقعیت‌های جدید بهره ببرند. این تعامل اجتماعی حین گفتگوهای فلسفی زمینه اجتماعی‌شدن، افزایش اعتماد به نفس و رشد اخلاقی را در کودکان افزایش می‌دهد (۱۱). از طرف دیگر در برنامه فلسفه برای کودکان افکار دانش‌آموزان در مورد مفاهیم مورد نظر مانند اخلاق به چالش کشیده خواهد شد و در این گفتگو و بحث است که آن‌ها درستی و نادرستی افکار اخلاقی خود را با توجه به آنچه از دوستانشان می‌شنوند، درمی‌یابند، در نتیجه چنین گفتگوهایی است که اندیشه و تفکر تغییر می‌کند و تفکرات دیگری جای تفکر قبلی را می‌گیرد و دانش‌آموزان به افرادی متفکتر، منطقی‌تر و ملاحظه‌کارتر تبدیل می‌شوند (۱۱). در چنین روندی است که اخلاق به چالش کشیده شده و دانش‌آموزان درمی‌یابند که در چه شرایط اخلاقی هستند، چه کار کنند، آیا باورهای اخلاقی‌شان درست است و یا نه، چه چیزهایی را باید تغییر دهند. بنابراین به نظر می‌رسد چنین شرایطی تغییر در رشد اخلاقی دانش‌آموزان را می‌تواند فراهم کند (۱۱). در واقع می‌توان گفت تحقق اهداف برنامه آموزش فلسفه به کودکان در زمینه رشد و پرورش اصول اخلاقی با به کارگیری گفتگو و ایجاد یک اجتماع پژوهشی جایی که کودکان به صورت مشارکتی به تبادل نظر با یکدیگر می‌پردازند، امکان‌پذیر است (۱۱).

یافته دیگر این پژوهش نشان داد که تئاتر تعلیمی تربیتی بر روی رشد اخلاقی دانش‌آموزان اثربخش بوده است. این یافته با نتایج مامی و امیریان (۱۹)، تامبو و بالاکریشنان (Thambu & Balakrishnan) (۲۵) و فریادی (۲۹) همسو می‌باشد. در تبیین این یافته می‌توان گفت که تئاتر تعلیمی و تربیتی بر یک وضعیت منحصر به فرد تمرکز می‌کند و با فراخواندن آزادی مخاطب او را دعوت به مشارکت می‌کند و از او می‌خواهد که این وضعیت خاص را در حال زندگی کند، در موقعیت شخصیت‌های روی صحنه، قرار بگیرد و متناسب با شرایط موجود راه درست را انتخاب کند و با انتخاب خود حکم اخلاقی عملی ارائه کند. در چنین شرایطی است که مخاطب

می‌آموزد چگونه باید در وضعیت‌های انسانی، اخلاقی عمل کند و در این صورت است که دیگر صورت‌های خیالی چیزهای بی‌معنی نیستند که ربطی به واقعیت نداشته باشند؛ صورت‌های خیالی واقعیت را دگرگون می‌کنند و این دگرگون کردن شیوه ربط‌یافتن آن‌ها به واقعیت است. در واقع کودکان در پروسه تمرینات تئاتر تعلیم و تربیت می‌توانند فکر کنند، تخیل کنند، باور کنند، بازی کنند و آداب کار گروهی و ارتباط جمعی را بیاموزند و در یک فضای دوستانه که سرشار از بازی‌های شاد است با همسالان خود ارتباط برقرار کنند و مشارکت و همکاری را تجربه کنند (۲۹). بنابراین ماهیت گروهی‌بودن تئاتر تعلیم و تربیت به کودکان این امکان را می‌دهد که به طور خودانگیخته بسیاری از فضیلت‌های اخلاقی و تربیتی مانند مشارکت در کار گروهی، همکاری، مقیدشدن به آداب و رسوم، مهارت‌های ارتباطی، رعایت نوبت، آگاهی و استفاده از احساسات و تبعیت از قوانین اجتماعی را فرا بگیرند (۳۰). همچنین تئاتر تعلیمی تربیتی به کودک فرصت می‌دهد که در موقعیت‌های مختلف نقش فعال داشته باشد. کودک در فرایند این نمایش، مفهوم نقش خاص خویش را پرورش می‌دهد. این امر او را قادر می‌سازد تا خود و دیگران را بهتر بشناسد و حساسیت خود را نسبت به دیگران افزایش دهد، با ایجاد جو صمیمی در تئاتر تعلیمی تربیتی به کودک این فرصت داده می‌شود تا همکاری بهتری با دیگران داشته باشد و در نتیجه این وضعیت، ارزش‌ها و فضیلت‌های اخلاقی می‌تواند توسعه یابند (۳۰).

همچنین نتایج آزمون تعقیبی نشان داد تأثیر روش آموزش فلسفه بر رشد اخلاقی دانش‌آموزان به طور معناداری بیشتر از مداخله تئاتر تعلیمی - تربیتی بوده است. در بررسی پیشینه پژوهش، مطالعه‌ای که به بررسی مقایسه این دو روش پرداخته باشد، یافت نشد، اما این نتیجه تا حدی با یافته‌های گارسیا موریون (García-Moriyón) و همکاران (۵)، فرجی و همکاران (۱۸)، مرعشی و همکاران (۲۶) و زولکیفلی و هاشیم (Zulkifli & Hashim) (۲۷) همسو می‌باشد. در تبیین این یافته می‌توان گفت برنامه آموزشی فلسفه برای کودکان،

آموزش اخلاقی را به عنوان یک هدف اصلی دنبال می‌کند، چیزی که لیپمن (Lipman) آن را توسعه تفکر مراقبتی (Development of Caring Thinking) نامید (۳۰). در همین زمینه شارپ (Sharp) (۳۱) اظهار داشت که این روش علاوه بر ایجاد مجموعه‌ای از ابزارها و رویه‌های خاص تأمل اخلاقی، بر روی شکل‌گیری احساسات افراد اثر می‌گذارد که باعث ایجاد تمایلات فضیلت‌گرایانه اجتماعی (مانند صداقت، شجاعت، مراقبت، ملاحظه، شفقت، حساسیت و...) و همچنین شکل‌گیری ساختار شخصیت کودکان در کلاس می‌شود. بنابراین مشارکت در برنامه آموزشی فلسفه برای کودکان به شکل‌گیری شخصیت شرکت‌کنندگان در آن کمک می‌کند، به طوری که با افزایش خودآگاهی، همراه با عزت نفس و همدلی، فرد دارای حس اخلاقی می‌شود و با این اعتقاد عمل می‌کند که می‌توان اشکال معقول و عادلانه‌ای برای زندگی در اجتماع ایجاد کرد (۳۱). از سوی دیگر یکی از اصولی که در آموزش فلسفه به خوبی تمرین می‌شود، استفاده از استدلال‌های منطقی است که در نهایت کودک را به سوی خودتصحیحی، مرکزیت‌زدایی و قضاوت صحیح سوق می‌دهد. دیگری نیز، گسترش فرهنگ گفتگو و اجرای آزاداندیشی است؛ مهارتی که نه تنها منجر به پویایی فرد در گروه می‌شود، بلکه باعث می‌شود که کودکان بلندنظری، دیگرپذیری، پذیرش آرای مخالف، سعه صدر و... که همگی بیانگر فضائل اخلاقی هستند را در خود پرورش دهند (۳۱). بنابراین بهترین شکل تعلیم و تربیت اخلاقی از نظر حامیان برنامه آموزش فلسفه به کودکان این است که در یک کاوش مشترک کلاسی، ذهن، چالش را با موشکافی و استدلال پیش ببرد، درباره موضوعات بنیادی اخلاق مانند آزادی، دوستی و وفاداری، از طریق استدلال گروهی و کاوشگری انتقادی به بحث می‌پردازند و سپس بر اساس استدلال‌های ارائه‌شده قضاوت و عمل می‌کنند. در این روند، یادگیرندگان به این نتیجه می‌رسند که همه اعمال اخلاقی دلیل دارند (۳۲) و به نظر می‌رسد این اصول و مبانی قوی روش آموزش فلسفه به کودکان می‌تواند از دلایل اثربخشی این روش نسبت به تئاتر تعلیمی و تربیتی بر روی رشد اخلاقی باشد.

بنابراین با توجه به اثربخشی بیشتر روش آموزش فلسفه به کودکان بر روی رشد اخلاقی، پیشنهاد می‌شود برنامه آموزش فلسفه به کودکان در برنامه‌های درسی مقطع ابتدایی گنجانده شود تا کودکان از همین دوره با روش‌های تفکر، حل مسأله، ارزش‌های اخلاقی، درک عقاید دیگران و احترام‌گذاشتن به عقاید آشنا شوند و این راهی به سوی حل مسائل و رشد اخلاقی در جامعه است. به رغم تلاش جدی در جهت انجام صحیح و اصولی پژوهش حاضر، این پژوهش نیز مانند دیگر پژوهش‌های انجام‌شده در حیطه مسائل انسانی، با محدودیت‌ها و مشکلاتی مواجه بود که تلاش برای برطرف کردن آن‌ها در پژوهش‌های آتی، می‌تواند مهر تأییدی بر نتایج به دست‌آمده در این پژوهش باشد. با توجه به شیوه نمونه‌گیری در دسترس در این پژوهش، تعمیم یافته‌های آن باید با احتیاط صورت گیرد. انتخاب نمونه تصادفی می‌تواند متغیرهای مداخله‌گر تأثیرگذار در پژوهش را به میزان بیشتری کنترل نماید. همچنین اجرای پژوهش بر روی دانش‌آموزان پنجم و ششم مقطع ابتدایی از محدودیت‌های دیگر این پژوهش است. جهت تأیید مجدد روابط تعاملی متغیرها، پیشنهاد می‌شود این پژوهش در جامعه و نمونه‌های دیگر نیز تکرار شود تا پستوانه تجربی بیشتری جهت حمایت از پژوهش‌های آینده فراهم شود.

نتیجه‌گیری

نتایج پژوهش حاضر نشان داد که روش آموزش فلسفه و تئاتر تعلیمی - تربیتی بر رشد اخلاقی دانش‌آموزان اثرگذار بوده است، اما نتایج آزمون تعقیبی نشان داد که تأثیر روش آموزش فلسفه بر رشد اخلاقی دانش‌آموزان به طور معناداری بیشتر از مداخله تئاتر تعلیمی - تربیتی بوده است. در کل یافته‌های این پژوهش اطلاعات مفیدی را در ارتباط با تأثیر آموزش فلسفه و تئاتر تعلیمی - تربیتی بر افزایش رشد اخلاقی دانش‌آموزان فراهم می‌کند که به طور ویژه می‌تواند از سوی مشاوران و روان‌شناسان در تعامل با دانش‌آموزان مورد بهره‌برداری قرار گیرد.

مشارکت نویسندگان

رویا زارع: طراحی ایده و جمع‌آوری داده‌ها.
سمیه تکلوی: نگارش متن اصلی.
عذرا غفاری: ویراستاری و ویرایش متن.
نویسندگان نسخه نهایی را مطالعه و تأیید نموده و مسئولیت پاسخگویی در قبال پژوهش را پذیرفته‌اند.

تشکر و قدردانی

ابراز نشده است.

تضاد منافع

نویسندگان هیچ‌گونه تضاد منافع احتمالی را در رابطه با تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله اعلام نکرده‌اند.

تأمین مالی

نویسندگان اظهار می‌نمایند که هیچ‌گونه حمایت مالی برای تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله دریافت نکرده‌اند.

ملاحظات اخلاقی

تحقیق حاضر از سوی کمیته اخلاق دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردبیل به تأیید رسیده است (کد کمیته اخلاق: IR.IAU.ARDABIL.REC.1400.039).

اطلاعات جامع در رابطه با دلایل تحقیق، نتایج، حفظ محرمانگی و نحوه انجام تحقیق به افراد داده شد و رضایت آگاهانه از شرکت‌کنندگان اخذ گردید.

References

1. Dahl A. The science of early moral development: On defining, constructing and studying morality from birth. *Advances in Child Development and Behavior*. 2019; 56(1): 1-35.
2. Steć M, Kulik MM. The Psycho-Didactic Approach in Religious and Moral Education. Towards Personal Growth and Positive Mental Health of Students. *Religions*. 2021; 12(6): 1-17.
3. Garrigan B, Adlam AL, Langdon PE. Moral decision-making and moral development: Toward an integrative framework. *Developmental Review*. 2018; 49(3): 80-100.
4. Mennatizadeh M, Zamani GH, Hayati D, Zibaei M. Analysis of farmers' moral development in agricultural water resources uses (the case of Khoramabad County). *Iranian Agricultural Extension and Education Journal*. 2018; 14(1): 69-89. [Persian]
5. García-Moriyón F, González-Lamas J, Botella J, González Vela J, Miranda-Alonso T, Palacios A, et al. Research in moral education: The contribution of P4C to the moral growth of students. *Education Sciences*. 2020; 10(4): 1-13.
6. Perales A. Ethical training as a support for the moral development of students in health sciences programs: towards a teaching focused on the needs of the student as a person. *Revista Peruana de Medicina Experimental Salud Publica*. 2019; 36(1): 100-105.
7. Hidayah R. Students' Self-Adjustment, Self-Control and Morality. *Journal of Social Studies Education Research*. 2021; 12(1): 174-193.
8. Van den Berg TG, Kroesen M, Chorus CG. Does morality predict aggressive driving? A conceptual analysis and exploratory empirical investigation. *Transportation research part F: Traffic Psychology and Behaviour*. 2020; 74: 259-271.
9. Yang L, Cai G, Yong S, Shi H. Moral identity: A mediation model of moral disengagement and altruistic attitude. *Social Behavior and Personality: An international Journal*. 2020; 48(7): 1-13.
10. Soleimanpouromran M, Yasavol N. The Effect of P4C (Philosophy for Children) curriculum on children's love of learning and moral judgment. *Thinking and Children*. 2021; 12(1): 57-73. [Persian]
11. Karamad J, Fallah V, Salimi L. Develop a Narrative Philosophy Education Program and Evaluate its Effectiveness on Moral Intelligence, Epistemological Beliefs and Emotional Self-awareness in Adolescents. *Iranian Journal of Educational Sociology*. 2020; 3(2): 96-109. [Persian]
12. Daniel MF, Belghiti K, Auriac-Slusarczyk E. Philosophy for Children and the Incidence of Teachers' Questions on the Mobilization of Dialogical Critical Thinking in Pupils. *Creative Education*. 2017; 8(06): 870-892.
13. Kamali Motlagh T, Noushadi N. The impact of teaching philosophy to children using native stories in elementary students' ethical development. *Thinking and Children*. 2017; 8(1): 1-13. [Persian]
14. Chetty D. Racism as 'reasonableness': Philosophy for children and the gated community of inquiry. *Ethics and Education*. 2018; 13(1): 39-54.
15. Wu C. Training Teachers in China to Use the Philosophy for Children Approach and Its Impact on Critical Thinking Skills: A Pilot Study. *Education Sciences*. 2021; 11(5): 206-222.
16. Cam P. Philosophy for children, values education and the inquiring society. *Educational Philosophy and Theory*. 2014; 46(11): 1203-1211.
17. Di Masi D, Santi M. Learning democratic thinking: a curriculum to philosophy for children as citizens. *Journal of Curriculum Studies*. 2016; 48(1): 136-150.
18. Faraji M, Makvandi B, Bakhtiyar Pour S, Eftekhari Saadi Z, Ehteshamzadeh P. Effectiveness of philosophy education on the development of moral judgment, prosocial behavior and anger control in the students in Ahwaz city. *Journal of Educational Psychology Studies*. 2020; 16(36): 97-122. [Persian]
19. Mami S, Amirian K. The Effect of Creative Drama on Students' Social Adjustment, Moral Judgment and Creativity. *Journal of Instruction and Evaluation*. 2017; 9(36): 75-92. [Persian]
20. Darling-Hammond L. Research on teaching and teacher education and its influences on policy and practice. *Educational Researcher*. 2016; 45(2): 83-91.
21. Fleer M, Kamaralli A. Cultural development of the child in role-play: Drama pedagogy and its potential contribution to early childhood education, in *Multidisciplinary perspectives on play from birth and beyond*. Singapore: Springer; 2017. p.111-128.
22. Sarsangi M, Amini R. Pedagogic theatre: A comparative study. *Honar-Ha-Ye-Ziba: Honar-Ha-Ye-Namayeshi va Moosighi*. 2011; 2(39): 79-86. [Persian]
23. Mamali E, Papadopoulos S. Study on the synergy of Theatre Pedagogy and Philosophy for Children: A multi-disciplinary approach. *Epistēmēs Metron Logos*. 2021; 22(6): 14-21.

24. Ranzau S. Teacher perceptions of drama pedagogy as a teaching tool. Ph.D. Thesis. Texas: Sam Houston State University, US, 2016.
25. Thambu N, Balakrishnan V. Forum theatre as a moral education pedagogy. *Atikan*. 2014; 4(1): 1-11.
26. Marashi M, Safaei Moghaddam M, Khazami P. A study of the effects of teaching philosophy by using the community of inquiry method on the moral judgment development in fifth grade primary school students of Ahvaz. *Thinking and Children*. 2012; 1(1): 83-102. [Persian]
27. Zulkifli H, Hashim R. Philosophy for children (P4C) in improving critical thinking in a secondary moral education class. *International Journal of Learning, Teaching and Educational Research*. 2020; 19(2): 29-45.
28. Iman-nejad MS, Iman-Zade A, Taqi-pur K, Sheikhlar TZ. The Effectiveness of Teaching Philosophy to Adolescents on Development of Aesthetic Beliefs and Moral Judgments of High School Students through Philosophical Community of Inquiry. *Quarterly Journal of Applied Issues in Islamic Education*. 2020; 4(4): 37-68. [Persian]
29. Freebody K. Exploring teacher-student interactions and moral reasoning practices in drama classrooms. *Research in Drama Education: The Journal of Applied Theatre and Performance*. 2010; 15(2): 209-225.
30. Lipman M. Philosophy for children: Some assumptions and implications. *Ethics in Progress*. 2011; 2(1): 3-16.
31. Sharp AM. Philosophy for children and the development of ethical values. *Early Child Development and Care*. 1995; 107(1): 45-55.